

جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۰۳

ساجده العبد الخانی^۱، محمد جواد بحرینی^۲

چکیده

مسئله اشتغال زنان در بیرون از منزل، از مسائل چالش برانگیز است. در زندگی مهدوی، در شرایط عادی از لحاظ اقتصادی هیچ تکلیفی بر عهده زنان گذاشته نشده است و خانه‌داری را نه تنها شغلی مهم می‌دانند، بلکه نقش مادری و همسری زن چنان ارزش و جایگاهی دارد که دیگر نقش‌های وی در سایه این دو وظیفه تعریف می‌شود. بر این اساس، باید نظر اسلام در فعالیت‌های اقتصادی بررسی شود. پژوهش حاضر دیدگاه اسلام و فقهای امامیه را در این مورد تبیین کرده و ادله قائلین به جواز و عدم جواز اشتغال را بیان نموده است. سبک زندگی مهدوی، اشتغال زنان را با رعایت اصول مورد نظر اسلام یعنی، کاهش اختلاط جنسی و اولویت نقش مادری و همسری و عدم تعارض آن با وظایف خانوادگی زن جایز می‌داند و در صورت تعارض، اشتغال زن را تأیید نمی‌کند. در غیر این موارد، نه فقط منعی برای اشتغال زنان ندارد، بلکه مشارکت اجتماعی زن را در برخی موارد لازم و ضروری می‌داند. مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای تدوین شده است.

واژگان کلیدی: اشتغال، جواز اشتغال، فقهای امامیه، زنان، اسلام.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Sajida.201315@gmail.com

۲. دکتری حقوق خصوصی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

Email: mjbahreini@yahoo.com

۱. مقدمه

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که هسته نخستین آن رازن و شوهر تشکیل می‌دهند و از نظر اسلام، مقدس‌ترین نهاد معرفی شده است. اسلام وظیفه مرد را پرداخت نفقه و امرار معاش خانواده و وظیفه زن را همسررداری و تربیت فرزند می‌داند و اهمیت ویژه‌ای به پرورش نسل آینده و حفظ بنیان خانواده می‌دهد.

مسئله اشتغال زنان در دو عرصه مطرح است: نخست، عرصه خصوصی و فعالیت‌هایی که زنان در داخل خانه برای سامان‌دهی امور منزل انجام می‌دهند، مانند پختن غذا و نظافت منزل و... دوم، عرصه عمومی و اجتماعی که از آن به کار بیرون از خانه تعبیر می‌شود. این نوشتار به بررسی فقهی نوع دوم یعنی، اشتغال خارج از منزل می‌پردازد.

اهمیت طرح موضوع این نوشتار آن است که امروزه اشتغال زنان از مسایل مبتلابه و مطرح می‌باشد. در مواجهه با این مسئله، دو دیدگاه وجود دارد؛ یکی دیدگاه افراطی جوامع صنعتی و غربی که با ترغیب زنان به اشتغال در خارج منزل، آسیب‌های نامطلوب و غیرقابل جبرانی بر خانواده وارد کرده‌اند و خطر فردگرایی، کم‌رنگ شدن پیوندهای عاطفی و خانوادگی، ازهم‌پاشیدگی خانواده، انحراف‌های اخلاقی و تربیت نادرست فرزندان را همراه می‌آورد. نقطه مقابل این دیدگاه، موضع تفریطی شرق و برخی جوامع سنتی است که به تأثیرپذیری از عرف و آداب و رسوم نادرست و مغایر با عقل و شرع، در حق زنان اجحاف روا داشته، زن را در خانه محبوس می‌کنند. این نوشتار در پی تبیین این مطلب است که در زندگی اسلامی، با توجه به نقش مادری زن، موارد ضروری اشتغال زنان در بیرون از منزل را بررسی کند. تبیین دیدگاه اسلام که در موضوع اشتغال زنان، راه میانی را برگزیده و اشتغال زنان را مقید به ضوابط و شرایطی نموده است، ضرورت نگارش این پژوهش را روشن می‌کند.

۲. مفاهیم

۱-۲-۱. اشتغال در لغت

این واژه در لغت یعنی، به کاری پرداختن، مشغول شدن، به کاری در شدن و به کاری

۲-۲-۱. اشتغال در اصطلاح

این واژه در فرهنگ‌نامه‌های اقتصادی، به معنی «مجموع مشاغل موجود جامعه که به طور مستقیم و غیر مستقیم در افزایش تولیدات ملی مؤثرند» آمده است. (مدرسی، ۱۳۸۵، ۳۳) برخی از اقتصاددانان، قید مزد و پاداش را نیز بر تعریف اشتغال افزوده و بیان داشته‌اند که اشتغال، مشغول بودن به کاری است که پاداش و مزد در برابر آن وجود داشته باشد. بر اساس این تعریف، مفهوم «اشتغال» محدودتر و فقط شامل کارها و فعالیت‌هایی می‌شود که در قبال آن دستمزدی پرداخت شود، اما تلاش‌هایی که مجانی صورت می‌گیرند مثل برخی از کارهای زنان در خانه، مشمول اشتغال نخواهند بود. (دانش، ۱۳۸۹)

۳. اشتغال از دیدگاه اسلام

از نظر اسلام، زنان در تأمین اقتصاد خانواده مسؤولیتی ندارند و تأمین نیازهای مالی و اقتصادی آنان وظیفه همسر است و نفقه زن در ازدواج دائم بر عهده مرد می‌باشد. نفقه شامل محل سکونت، خوراک، پوشاک و سایر امور وابسته به آنها است که باید با توجه به زندگی زن و فرزندان و شرایط زمانی و اجتماعی تهیه شود. صداق یا مهریه نیز بر عهده مرد است و زن با ازدواج، مالک آن می‌شود و می‌تواند آن را از همسر خود مطالبه کند.

زن در امور اقتصادی خانواده هیچ مسؤولیتی ندارد؛ هر چند درآمد زیادی داشته باشد. مسؤولیت اساسی او، همراهی در روابط مناسب در زندگی خانوادگی است. به همین دلیل تأکید زیادی بر نقش مادری و همسری زنان شده است. روایات زیادی از معصومان علیهم‌السلام بیان شده است که مردان را به تأمین معاش خانواده تشویق می‌کند. برای مثال پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تلاش مردان برای کسب روزی حلال خانواده را معادل جهاد در راه خدا می‌داند: «الْكَافُ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ مردی که برای زن و بچه‌اش به دنبال مال حلال است، مانند رزمنده در جبهه است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۲/۱۰۳) در حالی که چنین تعبیری در مورد زنان دیده نمی‌شود. به مردان نیز همواره توصیه شده تا در پرداخت نفقه و تأمین مخارج زنان گشاده‌دست باشند. اسلام، اشتغال زنان را حق آنان می‌داند. از دیدگاه فقهی، در اصل عدم حرمت اشتغال زنان تردیدی وجود ندارد. کتاب، سنت و سیره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام گویای آن است که زنان می‌توانند عهده‌دار برخی مشاغل و کارها گردند. از این رو، نگرانی‌های

احتمالی برای به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی زنان، نباید موجب صدور حکم مطلق حرمت اشتغال زنان باشد. حرمت اشتغال زنان - با احراز شرایط حرمت - حداکثر می‌تواند از باب طریقی لحاظ شود نه موضوعی. (حکیم پور، ۱۳۸۴، ۲۱۴)

از آنجا که این مسأله باعث اختلاف نظر میان برخی فقهای امامیه شده، برخی موافق اشتغال زنان و برخی مخالف آن بوده‌اند و هریک، دلایلی را برای نظر خود مطرح می‌کنند. در این نوشتار به بررسی ادله هر دو گروه پرداخته شده است.

۴. ادله مخالفان اشتغال زنان

طرفداران عدم جواز اشتغال زنان معتقدند که در منابع دینی اسلام، بر ماندن و کار کردن زن در خانه تأکید شده است. پس لازمه کار در خانه، محرومیت این قشر از اشتغال است. آنها برای اثبات نظریه خود دلایلی را بیان می‌کنند که عبارتند از:

۴-۱. قرآن کریم

خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ در خانه‌هایتان قرار گیرید و زینت خود را به مردان بیگانه ظاهر نسازید مثل جاهلیت پیشین». این آیه از ظاهر ساختن زینت نهی می‌کند؛ اشتغال در بیرون از منزل، موجب ظاهر شدن زینت زنان می‌شود. از این رو، اشتغال در بیرون از منزل نهی شده است. در سوره احزاب آیه ۵۳ نیز آمده است:

وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ.

هنگامی که از همسران پیامبر چیزی خواستید، از پشت حجاب و حایلی از ایشان بخواهید که این کارتان برای دل‌های شما و دل‌های ایشان پاکیزه‌تر است. این آیه دلالت دارد بر اینکه زنان در خانه باشند و بیرون از خانه رفت و آمد نکنند.

۴-۲. روایات

دلیل دیگر قائلین به عدم جواز اشتغال زنان، روایاتی است که به طور مستقیم از اشتغال و سرپرستی زنان نهی کرده است. برخی از این آیات و روایات عبارتند از:

۴-۲-۱. پاسخ حضرت زهرا علیها السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که پرسید: «کدام لحظه زن به خدا

نزدیک تراست؟» پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «لحظه ای که زن در پستوی خانه می ماند و به شوهرداری و تربیت فرزندان می پردازد». (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۴۳/۹۲)

۴-۲-۲. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کارهای داخل منزل را به حضرت فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون را به حضرت علی علیه السلام سپرد. حضرت زهرا علیها السلام بعد از این تقسیم بندی فرمود: «فلا یعلم ما داخلنی من السرور الا الله باکفائی رسول الله تحمّل رقاب الرجال؛ خدا می داند که چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت». (دشتی، ۱۳۷۲، ۱۶۸)

۴-۲-۳. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «خیر النساء ان لا یرین الرجال ولا یراهن الرجال؛ برای زنان بهترین است که مردان را نبینند و مردان هم آنها را نبینند». (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۰۱/۳۶)

۴-۲-۴. روایاتی که بیان می کند نماز زن در خانه، از شرکت او در مساجد برای اقامه نماز جماعت یا جمعه افضل است، در روایت طویل جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نیز آمده است: «فیما اوصی صلی الله علیه وآله علیا یا علی لیس علی النساء جمعة ولا جماعة ولا اذان ولا اقامة». (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۸۱/۱۱۵)

این دستور از طرف شارع در حالی است که نماز در مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه فضیلت بسیاری دارد. با وجود تأکید زیاد بر رفتن به مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه و ثواب فراوان آن، ولی حضور زن در این جماعات به دستور دین نهی شده است. این مطلب به خوبی نگرش دین نسبت به حضور زن در اجتماع را تبیین می کند و واضح است که اشتغال زن در خارج از خانه مهم تر از مسجد رفتن و اقامه نماز جمعه و جماعت نیست، مگر در موارد اضطرار که حرمت آن برداشته می شود، همان طور که بقیه محرمات نیز چنین می باشند.

علاوه بر آیات و روایات متعددی که کار زن را در خانه مطلوب و سنت شمرده است، فقهای بزرگی همچون صاحب عروة، بر حبس زن در خانه فتوا داده اند: «یستحب حبس المرأة فی البیت فلا تخرج الا للضرورة ولا یدخل علیه احد من الرجال؛ حبس زن در خانه مستحب است، پس زن به بیرون خانه نرود، مگر در وقت ضرورت و مرد اجنبی و بیگانه بر او وارد نشود». (طباطبایی بزدی، ۱۳۶۶، ۵/۴۸۳).

لازمه این ادله آن است که زن شاغل نباشد، وگرنه این ادله، دلالت مستقیم بر عدم اشتغال زنان ندارند. افزون بر این، در خانه ماندن به معنای بیکار بودن نیست، بلکه

تربیت فرزند، رسیدی به امور داخل منزل و... چنان زمان بر است که در عمل زن مجبور است در منزل بماند.

۵. ادله موافقان اشتغال زنان

در برابر دیدگاه قبل، موافقان افزون بر پاسخگویی به دلایل مخالفان، به تبیین مستقل جواز اشتغال زن در بیرون از خانه پرداخته‌اند. در ادامه، دلایل نقضی و حلی (اثباتی) موافقان بیان شده است.

۵-۱. دلایل نقضی

ادله نقضی از آیات قرآن

یکم) برتری مرد، نافی حق اشتغال زن نیست

زن و شوهر در خانواده می‌توانند به آرامش واقعی و امنیت روحی دست یابند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ از نشانه‌های اوست که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد» (روم: ۲۱). این هسته اولیه جامعه بشری، مثل هر جمع دیگری، هنگامی می‌تواند به حیات سالم خود ادامه دهد که از نظام خاصی برخوردار باشد. این امر در پرتو حقوق و وظایف افراد آن؛ یعنی زن و شوهر تأمین خواهد شد. از سوی دیگر در هر جمعی، گاه اختلاف نظرهایی پیدا می‌شود. در این‌گونه موارد، اگر کسی که توانایی تصمیم‌گیری بهتری دارد، رئیس جمع برگزیده شود و همه ملزم به پیروی از او باشند، مشکل حل خواهد شد. از سوی دیگر، پیدایش هر جمع، برخی مسؤولیت‌های جمعی را ایجاد می‌کند که باید شخص خاصی آنها را بر عهده گیرد. چنین فردی باید از اختیارات ویژه‌ای نیز برخوردار باشد. با توجه به این امور، خداوند متعال مردان را رئیس خانواده قرار داده و فرموده است:

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بغضهم على بعضٍ وبما انفقوا من أموالهم
فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ.

مردان سرپرست زنان‌اند؛ زیرا خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده است و به دلیل آنکه [مردان] از اموالشان خرج می‌کنند. پس زنان درستکار، فرمانبردارند، به

پاس آنچه خدا حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند. (نساء: ۳۴)

در این آیه، برتری مردان بر زنان در خانواده، حکم الهی شمرده شده که مستند به حکمت ربانی است. البته علامه طباطبایی از این آیه، سرپرستی عمومی مردان را نسبت به زنان در حوزه‌ای وسیع‌تر از خانواده مانند حکومت و قضاوت می‌داند. (رک: طباطبایی، ۱۴۳۰ ه.ق، ۴/۳۶۵)

همچنین در این آیه، وظیفه تأمین مالی خانواده بیان شده است؛ یعنی اگر مردان رئیس خانواده‌اند، مسؤولیت سنگین اداره مالی آن را نیز بر عهده دارند. ریاست بدون اطاعت معنا ندارد و آیه شریفه، زنان صالح را فرمانبردار همسر معرفی می‌کند که اسرار آنها را حفظ می‌کنند، همان‌گونه که خداوند حافظ ضعف‌های ایشان است.

علامه طباطبایی درباره این آیه گفته است که سرپرستی مرد نسبت به زن خود، به این معنا نیست که اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است، نافذ نباشد و به این معنا نیست که زن در حفظ حقوق فردی و اجتماعی خود و دفاع از آن و رسیدن به آن، با مقدماتی که دارد، مستقل نباشد. بلکه معنای آن این است که باید زنان در هر چه مربوط به کامجویی جنسی و بهره‌مندی زناشویی است، مطیع شوهران خود باشند و در غیاب آنها به ایشان خیانت نکنند و حریم عفاف خویش را پاس دارند و نسبت به اموال و هر چه در زندگی زناشویی در اختیار آنهاست، امین و درستکار باشند و سوءاستفاده‌ای از آنها نکنند.

(رک: طباطبایی، ۱۴۳۰ ه.ق، ۴/۳۶۶)

پس به نظر علامه، سرپرستی مردان نسبت به زنان مانع از بهره‌مندی زنان از حقوق فردی و اجتماعی و استقلال در حفظ و دفاع از این حقوق و تصرف در اموال و املاکشان نیست. علامه در جای دیگری سنت نبوی را شاهدهی بر این تفسیر داند که زنان در نظر اسلام، از هیچ حق فردی و اجتماعی منع نشده‌اند و می‌توانند فعالیت‌های مختلف اجتماعی اعم از اقتصادی و فرهنگی داشته باشند. (طباطبایی، ۱۴۳۰ ه.ق، ۴/۳۶۹) پس، ریاست مردان در خانواده به معنای سروری و برتری نیست. بلکه مردان مسؤول حفظ مصالح خانواده، انجام وظایف خانوادگی و صیانت از حریم خانواده‌اند. خداوند دلیل این ریاست را دو امر دانسته است:

۱. برتری‌ای که خداوند به آنها داده است: «... بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...» به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده است... «... وَلِلرِّجَالِ عَلَىٰ نِسَائِهِمْ دَرَجَةٌ...»

مردان بر آنان درجه برتری دارند...» (بقره: ۲۲۸).

۲. وجوب نفقه بر آنها «... بما انفقوا من اموالهم...» و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند...» (نساء: ۳۴) یعنی نوع مردان (نه تک‌تک آنها) با نوع زنان تفاوت‌هایی دارند که اقتضا می‌کند مرد ریاست خانواده را بر عهده داشته باشد. از سوی دیگر، وظیفه سنگین اداره مالی خانواده بر عهده شوهر است و این نیز عامل دیگری برای ریاست مرد در خانواده می‌باشد.

باید توجه داشت که زن در قبال مشکلات اقتصادی خانواده و هزینه‌های آن هیچ مسؤولیتی ندارد، هرچند از نظر اخلاقی پسندیده است که در این امر مشارکت کند. عبارت «بما انفقوا من اموالهم» به دلیل آنکه مردان از اموالشان خرج می‌کنند نیز به واقعیت خارجی اشاره نمی‌کند، بلکه به ظرف اعتبارات شارع و صفحه قانون شرع توجه دارد؛ یعنی به این معنا نیست که چون در حال حاضر، مردان هزینه زنان و خانواده را می‌پردازند، ریاست دارند و اگر روزی روال تغییر کرد و زنان چنین امری را به عهده گرفتند، ریاست از آن‌ان باشد. بلکه به این معناست که چون تأمین هزینه بر آنها واجب است، از دیدگاه شرع ریاست با آنان است. همچنین باید توجه کرد که عبارت «بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم» زیرا خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده، زیرا از اموالشان خرج می‌کنند، علت ریاست مردان را بیان می‌کند، نه حوزه این ریاست را.

با استناد به آیات ۳۴ سوره نساء و ۲۲۸ سوره بقره، گرچه برای مردان درجه و فضیلتی نسبت به زنان ثابت می‌شود، این موجب نفی اشتغال زنان نیست. منظور از «فضل» در آیه ۳۴ سوره نساء و «درجه» در آیه ۲۲۸ سوره بقره، برتری مردان بر زنان به حسب طبع و ذات آنان است؛ زیرا مردان از نظر قدرت تعقل و تفکر بر زنان برتری دارند و بر همین اساس، تکالیف آنها نیز متفاوت از تکالیف زنان است و کارهای سخت و طاقت‌فرسا بر عهده مردان قرار داده شده است. (طباطبائی، ۱۴۳۰ ه. ق، ۴/۳۴۰؛ انصاری قرطبی، ۱۴۰۵ ه. ق، ۳/۱۲۵) فضل به این معنا، مانع اشتغال زنان نیست؛ زیرا اشتغال زنان در اموری که با وضعیت جسمی و روحی آنان تناسب داشته باشد، منعی ندارد و موجب برتری آنها بر مردان نمی‌شود و در هر حال، اصل برتری به لحاظ طبع و ذات در مردان وجود دارد؛ چه زنان اشتغال داشته باشند و چه نداشته باشند.

دوم) تسلط مرد بر همسر خویش

آیه ۳۴ سوره نساء تنها بر تسلط مرد بر همسر خویش دلالت دارد و دایره شمول آن محدود به زندگی خانوادگی است؛ زیرا اولاً شأن نزول آیه در ارتباط با مسایل خانوادگی است. ثانیاً، سیاق آیه مورد نظر نیز مربوط به زندگی خانوادگی و زناشویی است و سخن از تسلط مرد بر همسرش در قبال فعالیت‌هایی است که برای او انجام می‌دهد؛ زیرا انفاق بر زن به دلیل آنکه زن است، فقط در محیط خانوادگی و از سوی شوهر صورت می‌گیرد و هر دو علت قوامیت که در آیه آمده («بما فضل الله بعضهم علی بعض») و «بما انفقوا من اموالهم») اساس حکم بر قوام بودن مرد است و عمومیت این علت که سبب تسلط مردان بر زنان در همه امور می‌شود، امری ناپسند است. از نظر شرعی، مردان خارج از دایره زناشویی فقط در دو مورد بر زنان سیطره دارند: یکی حاکمیت و دیگری قضاوت که هیچ‌کدام مانع اشتغال زنان نیست.

سوم) برتری مرد فقط در ارث است

برخی معتقدند که «فضیلت» در آیه ۳۴ سوره نساء، هر فضیلتی را شامل نمی‌شود و منظور، برتری مردان در برخورداری از ارث است. مؤید این نظر آن است که در آیات قبل، سخن از ارث و چگونگی تقسیم آن آمده و آیه بعد نیز در مورد ارث است. (انصاری قرطبی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۵/۱۶۹)

برخی از مفسران در شأن نزول این آیه گفته‌اند که در جاهلیت، زنان ارث نمی‌بردند. وقتی اسلام سهم ارث آنان را معین کرد، گفتند که ای کاش سهم ما مثل سهم مردان باشد. سپس آیه مذکور نازل شد. (انصاری قرطبی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۵/۱۶۲) بنابراین، این آیه اشاره به برتری خاصی دارد و با استناد به آن نمی‌توان هر برتری از جمله اشتغال زنان را نفی کرد.

اگر بپذیریم که این دو آیه بر منع اشتغال زنان دلالت دارد، بین این آیات و آیه ۳۲ سوره نساء تعارض ظاهری وجود دارد. این تعارض مانع ظهور این دو دسته آیات در زمینه جواز یا حرمت اشتغال زن می‌باشد و لازم است برای یافتن حکم شارع به روایات مراجعه شود.

۵-۱-۲. ادله نقضی از روایات

موافقان اشتغال زن، روایاتی را که مخالفان اشتغال زن به آنها تمسک کرده‌اند، تحلیل و بررسی کرده‌اند که برخی از آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکم) دخالت دادن عامل زمان و مکان

روایاتی که لزوم خانه‌نشینی زنان را بیان می‌کند، با شرایط فرهنگی جامعه آن بیان شده است؛ شرایطی که زن در آن ارزش اجتماعی نداشت و رسول اکرم ﷺ و ائمه علیهم‌السلام به تدریج ارزش اجتماعی زنان را به آنها برگرداندند و ممکن نبود که در آن زمان، معصومان علیهم‌السلام بر حضور پرشور زنان در جامعه تأکید کنند؛ زیرا مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت. پس نمی‌توان در عصر حاضر به این روایات استناد کرد. بدین ترتیب با اجرای اصل برائت، جواز اشتغال زنان اثبات می‌شود.

دوم) روایاتی که زن را عورت می‌داند

روایاتی که علت وجوب حبس زنان در خانه را عورت بودن آنها بیان می‌کند، عدم خروج زن از خانه را در بعضی از موارد مثل تشییع جنازه و عیادت مریض در سیاق «لیس علی النساء جمعة ولاجماعة» قرار داده. هیچ‌یک از فقها در مورد حضور نیافتن زن در نماز جمعه و جماعت قایل به این نشده‌اند که این روایات به نحو قضیه خارجییه بوده است. پس به وحدت سیاق، بقیه موارد مذکور در این روایات نیز حمل بر قضیه حقیقیه می‌شود. از این رو، برخی از فقهای معاصر، با اشتغال زنان به مخالفت پرداختند.

از آنجا که مرد، رئیس خانواده است و ریاست، مستلزم وجوب اطاعت از طرف مقابل است، باید دید حوزه لزوم اطاعت مرد در خانواده تا چه حد است. علامه طباطبایی موردی را بیان کرده و آن، کامجویی است که زن باید از مرد اطاعت کند. به این مطلب در روایات متعددی تصریح شده است. حق دیگری که مرد بر زن خود دارد و روایات فراوان با سندهای معتبر بر آن دلالت می‌کند، این است که اگر مرد، زن را از خروج از خانه منع کند، باید اطاعت نماید، بلکه خروج زن از خانه مشروط به اجازه شوهر است.

همچنین در پاسخ به استناد روایاتی که از حضرت زهرا علیها‌السلام نقل شده است، معتقدند که این روایات دلالت می‌کند بر اینکه در صورت وجود کار در خانه و بیرون خانه، زن کار در خانه را ترجیح دهد. درباره روایتی که ایشان فرمود: «مردی زن را نبیند»، نیز باید گفت که این روایت بر ماندن در خانه و کار در خانه دلالت نمی‌کند؛ چون ممکن است زنی بیرون از خانه کار کند (شاغل)، ولی در محل کار او، هیچ مردی نباشد. برای نمونه در بیمارستانی که

همه کارکنان و مراجعان، خانم‌اند. پس این ادله بر عدم اشتغال زنان دلالتی ندارد. عتاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به عایشه نیز قضیه حقیقیه نیست، بلکه تقریباً نظیر قضیه شخصییه یا قضیه خارجیه است. (جوادی آملی، ۱۳۷۱) این ماجرا که به بعد از جنگ جمل بود، مربوط می‌شود به خروج عایشه برضد حضرت علی علیه السلام و غارت بیت‌المال بصره و کشتار مسلمانان. پس این روایت هر خروجی را محکوم نمی‌کند، بلکه به خروج خاصی که به قصد فساد صورت می‌گیرد، محدود می‌کند و به اشتغال زنان مربوط نمی‌شود.

درباره روایت «لیس علی النساء جمعة ولاجماعة» نیز باید گفت که این محرومیت‌ها در حد رخصت است، نه عزیمت؛ یعنی الزام از زن گرفته شده، نه اینکه حق شرکت در جمعه و جماعت را ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۱) به تعبیر دیگر، شرکت نکردن در نماز جمعه و جماعت عتاب ندارد، نه اینکه شرکت کردنشان ثواب نداشته باشد.

تمام احادیثی که در این باره بیان شده، از رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که در مجموع، مربوط به چهار گروه است:

- سه روایات که این نکته را حق مرد بر زن دانسته است: حدیث محمد بن مسلم، حدیث عمرو بن جبیر الغرمی و حدیث عبدالله بن سنان؛ (رک: حرعاملی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۱۱۲/۱۴ و ۱۲۵)

- روایت معراج که در آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشاهده‌های خود را بیان می‌فرماید و یکی از آنها، معذب بودن زنی است که بدون اجازه شوهرش از خانه خارج شود و آن، روایت عبدالعظیم بن عبدالله حسنی است. (رک: حرعاملی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۱۵۵/۱۴ و ۱۵۶)

- وصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام که در آن، به مسأله منع خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر اشاره شده است. (رک: حرعاملی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۱۵۵/۱۴)

راوی این احادیث، امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام یا امام جواد علیه السلام می‌باشند. ظاهر این روایات دلالت بر اطلاق دارد؛ یعنی مرد، می‌تواند از خروج زن خود از خانه به طور مطلق جلوگیری کند، بلکه به طور کلی خارج شدن زن از خانه در هر مورد مشروط به اجازه شوهر است. پس تازمانی که زن از همسرش اجازه نداشته باشد و یا رضایت او برایش محرز نیست، نمی‌تواند از خانه خارج شود.

امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله، خارج شدن زن بدون اجازه شوهرش از خانه را

موجب «نشوز» زن می‌داند (خمینی، ۱۳۷۹، ۲/۳۰۵). این، نظر مشهور فقهاست و کسی در این امر مخالفت نکرده است، ولی شاید به قرینه روایاتی که درباره حُسن حبس زن در خانه بیان شده و در آنها به دلربایی زنان و اشتیاقشان نسبت به مردان تأکید شده است، (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۴۰/۱۴ و ۴۱/۵ و ۴۲/۱ و ۴۲/۵) بتوان گفت خروج زن از خانه در صورتی که مفاسدی داشته یا با مصالحی در تراحم باشد، مشروط به اجازه شوهر است. پس در واقع این امر از فروع حالت تراحم یا فقدان مصلحت خواهد بود.

۵-۲. دلایل اثباتی

پس از رد ادله مخالفان اشتغال، دلایل اثباتی قائلان به جواز اشتغال زنان بررسی می‌شود.

۵-۲-۱. ادله اثباتی از آیات قرآن

با نگاهی به آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که اشتغال، به خودی خود برای زنان ممنوع نشده است. بسیاری از اطلاقات و عمومات و دلالت‌های قرآن نشان می‌دهد زنان می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی جامعه مشارکت داشته باشند و به کسب و کار بپردازند: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛ مردان را از آنچه به [اختیار] کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.» (نساء: ۳۲).

کلمه «اكتساب»، عمل اختیاری و غیر اختیاری را شامل می‌شود، (طباطبایی، ۱۴۳۰ ه.ق، ۴/۵۲۴) اگرچه دانشمندان علم لغت درباره واژه «کسب» و «اكتساب» گفته‌اند که هر دو مختص جایی است که عمل به اختیار آدمی انجام شود. واژه «اكتساب» عمل اختیاری را نیز شامل می‌شود که در اینجا مورد نظر است.

این آیه کریمه به دلالت التزامی بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد؛ زیرا حلال بودن اکتساب - یعنی تحصیل درآمد - مفروض گرفته شده و سپس درباره درآمد حاصل از آن اظهار نظر شده است. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۶) پس اگر زن و یا مرد از راه کارکردن، چیزی به دست آورند، خاص خودشان است. آیه دیگری که با اطلاق خود، بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد، آیه ۱۰ سوره جمعه است: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ هنگامی که نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار

یاد کنید؛ شاید رستگار شوید».

این آیه بر جواز کار زنان دلالت دارد، چنانکه در تفسیر نمونه آمده است:

گرچه جمله «وابتغوا من فضل الله» و یا تعبیرات مشابه آن در قرآن، شاید غالباً به معنای طلب روزی و کسب و تجارت آمده است، ولی روشن است که مفهوم این جمله، گسترده است و کسب و کار، یکی از مصادیق آن است. امر به انتشار در روی زمین و طلب روزی، امر و جویی نیست، بلکه - به اصطلاح - امر بعد از حذر و نهی است و دلیل بر جواز است. (مکارم شیرازی، .. همکاران، ۱۳۸۳، ۲۴/۱۲۷ و ۱۲۸)

خطاب در آیه عام است و شامل مرد و زن می‌شود.

۵-۲-۲. ادله اثباتی در سنت

اشتغال زنان در عصر رسالت نیز به چشم می‌خورد و در بسیاری شغل‌های رایج آن زمان، زنان حضور داشتند. از روایات نیز می‌توان جواز اشتغال زنان را به دست آورد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۹/۱۰۰). روشن است که طلب مال حلال، ظهور در کسب و کار دارد و بیانگر جواز اشتغال زن در دوران پیامبر خدا است.

در روایتی دیگر آمده است: «رخص رسول الله صلی الله علیه و آله فی خروج النساء العواتق العیةین للتعرض الرزق؛ فرستاده خدا صلی الله علیه و آله به زنان جوان اجازه دادند تا در مراسم عید فطر و قربان [از منازل خود] خارج شوند و برای تهیه روزی، بساط بگسترانند» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۲۷۴/۹۰).

سیره و نوع برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله با اشتغال زنان در عصر رسالت، به خوبی گویای جواز کار زنان است و جواز بسیاری از کارها برای زنان امضا شده است. (طباطبایی، ۱۴۳۰ ه.ق، ۴/۵۴۹)

افزون بر اینها، موارد دیگری در صدر اسلام وجود دارد که نشان می‌دهد زنان همراه مردان در جامعه حضور اثرگذار داشتند و معصومان علیهم السلام آنان را بر حذر نداشتند. گاهی نیز حضرت زهرا علیها السلام این کار را انجام دادند که به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

- دفاع از حق امیر مؤمنان علیه السلام و اعتراض به خلیفه وقت همراه با رفتن به درب خانه مهاجرین و انصار برای افشای ماهیت حکومت‌گران و طلب کمک از آنان. این رفتار از معصومی مانند حضرت زهرا علیها السلام و تأیید معصومی همانند امیر مؤمنان علیه السلام، نشان از وظیفه‌مندی زنان نسبت به حضور در جامعه دارد.

- هنگامی که امام علی علیه السلام از بیعت با ابوبکر امتناع ورزید، امّ مسطح به دفاع از حضرت برخاست و کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و اشعاری در شکایت از وضع موجود سرود. (مجلسی،

۱۴۰۳ ه.ق، ۲۸/۳۱۴)

صنایع دستی، نخ‌ریسی، پارچه‌بافی، تجارت، بازرگانی، فروشندگی، پرستاری، امدادگری، نانوایی و چوپانی از جمله مشاغل زنان در عصر رسالت بوده و حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز از این کارها نهی نفرموده و آن را در چارچوب احکام اسلام تأیید نمودند. (ر.ک: سعیدزاده، ۱۳۷۴)

در تفسیر المیزان آمده است: «پیامبر در امور غیر عامه از قبیل تعلیم و تعلم، کسب و پرستاری بیماران و مداوای آنان، زنان را منع نفرموده است. سیرت نبویه بسیاری از این کارها را امضا کرده است.» (طباطبایی، ۱۴۳۰ ه.ق، ۴/۵۴۹)

می‌توان از آیات و روایات این‌گونه استنباط کرد که زنان حق دارند برخی مشاغل را عهده‌دار باشند؛ زیرا اطلاق و عمومات آیات، روایات و سیره، برای امر دلالت دارد، مگر دلیل خاصی آنها را مقید یا شغل خاصی را برای زنان ممنوع کند.

۶. ضوابط و محدودیت‌های اشتغال زنان از نظر اسلام

در نظام حقوقی اسلام، بر اساس مصالح جامعه اسلامی، حفظ بنیان خانواده، مصلحت زنان و سایر مصالح اسلامی و عقلانی، محدودیت‌ها و ضوابطی برای اشتغال زنان در نظر گرفته شده است تا مصالح مهم‌تر و اساسی‌تر حفظ شود و اهدافی که برای خانواده و جامعه اسلامی ترسیم شده، محقق و عملی گردد. در این باره، بر مصالح خانوادگی و حیثیت و کرامت زن تأکید و بر حفظ آن اصرار شده است. در قوانین نیز محدودیت‌ها و ضوابطی برای کار زنان، در زمینه حفظ مصالح خانوادگی و حیثیت زن و شوهر وضع شده است.

۱-۶. خروج از منزل با اذن شوهر

اگر کار زنان مستلزم خروج از منزل باشد، لازم است که با اذن شوهر باشد. بیشتر فقها خروج زن از منزل را بدون اذن شوهر جایز نمی‌دانند. برخی از فقها نیز بر این باورند که زن می‌تواند بدون اذن شوهر از منزل بیرون رود، به شرط آنکه حق شوهر در روابط جنسی ضایع نشود. (فضل‌الله، اسلام، زن و...، ۱۳۸۲) پس در مورد رفتن زن به خارج از منزل با هدف کار، نظر بیشتر فقها

این است که اذن شوهر لازم است.

امام خمینی علیه السلام خروج زن از منزل را بدون اذن شوهر جایز نمی‌داند و یکی از حقوق زوج را بر زوجه، عدم خروج از منزل بدون اذن شوهر می‌داند. (خمینی، ۱۳۷۹) از دیگر فقهای معاصر، آیت‌الله خوبی، جواز خروج زوجه از خانه بدون اذن شوهر را منوط به عدم منافات با حق استمتاع شوهر دانسته است، هر چند احتیاط را در عدم خروج به طور مطلق می‌داند (خوبی، ۱۳۷۹، ۲/۳۱).

اذن مرد به آن دلیل شرط شده که ریاست خانواده به عهده مرد است و این شرط برای مدیریت خانواده لازم است. از سوی دیگر، مرد حق ندارد بدون دلیل از اشتغال زن جلوگیری کند و لازم است که مرد در صورت نداشتن مفسده و یا مصلحتی بالاتر، به زن اجازه کار دهد. همچنین مرد حق ندارد زن را در خانه حبس کند و این کار، با قاعده «امساک به معروف و معاشرت به معروف» که از دیدگاه قرآن باید بر زندگی زناشویی حاکم باشد، سازگاری ندارد. (فضل‌الله، ۱۳۸۲، دنیای زن)

۲-۶. شرایط عمومی حضور زن در جامعه

در اسلام، برای تأمین مصالح جامعه و امنیت زنان، برای حضور زن در جامعه شرایطی در نظر گرفته شده که رعایت آنها در محیط کار نیز الزامی است. یکی از این شرایط، رعایت حجاب است. حجاب بر این اساس است که کام جویی جنسی باید منحصر به محیط خانه و همسر مشروع باشد و محیط کار، نه برای تبرج، بلکه فقط برای کار و فعالیت باشد. از سوی دیگر، حجاب نه فقط کارآمدی زن را کم نمی‌کند، بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۹، ۱۹/۴۵۸)

قرآن کریم در آیات متعددی زنان را مکلف به رعایت حجاب نموده است که با رعایت این تکلیف شرعی، زنان و مردان در محیط جامعه با آرامش روحی و روانی، کارهای خود را انجام خواهند داد. قرآن، دیده فرو بستن از نگاه حرام در معاشرت‌های اجتماعی را تکلیف زنان و مردان دانسته (رک: نور: ۳۰ و ۳۱) و زنان را به روسری بلند بر خود انداختن، (رک: نور: ۳۱) روسری و چادر بر خویش افکندن (رک: احزاب: ۵۹) و پرهیز از تبرج جاهلی (ظاهر کردن زینت) (رک: احزاب: ۳۳) مکلف ساخته است.



از دیگر شرایط حضور زنان در محل کار، نبودن اختلاط و رعایت حریم است که عدم رعایت آن، خطر شکستن حصار عفاف و پاکدامنی را در پی دارد. شهید مطهری در این باره می نویسد: «سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا ﷺ همین بوده است (نه حبس و نه اختلاط) که زنان از شرکت در مجالس نهی نمی شدند، ولی همواره اصل حریم رعایت می شده است.» (مطهری، ۱۳۷۹)

با رعایت حریم، هم حرمت و کرامت زنان حفظ می شود و هم به کار آنان لطمه وارد نمی شود. از این رو، رعایت عفت عمومی بر زنان و مردان لازم است. امام خمینی رحمته الله علیه می گوید: «امروز خانم ها وظایف اجتماعی خودشان را، وظایف دینی خودشان را باید رعایت کنند و عفت عمومی را حفظ کنند و روی آن عفت عمومی، کارهای اجتماعی و سیاسی انجام دهند.» (خمینی، ۱۳۸۱، ۸/۲۲۶)

۳-۶. مسأله تزاحم

در نگاهی کلی، اسلام با شرایطی که مقرر شده، با اشتغال زنان مخالف نیست، ولی در تعارض میان کار زنان و ارزش های مهم و بنیادی تر، نگاه اسلام به کار زنان متفاوت است. سعی بر آن است که در کنار اشتغال زنان، ارزش های بنیادین و اساسی صیانت و حمایت شود. البته این موضوع درباره مردان نیز صادق است و منحصر به زنان نیست. در اسلام، قاعده «تزاحم» و «اهم و مهم» وجود دارد که اگر میان «اهم» و «مهم» تزاحم پیدا شود، از نظر شرعی، عقلی و نقلی، «اهم» مقدم بر «مهم» است. با همین قاعده، ارزش هایی مثل نهاد خانواده که در اسلام اهمیتی بنیادین دارد، حفظ می شود. (رک: حرعاملی، ۱۴۱۶ هـ ق / ۲۰ / ص ۵۹۲، طوسی، ۱۳۸۷، ۲۳۰)

گاه نیز موقعیتی پیش می آید که شخص نمی تواند به دو وظیفه ای که همزمان بر عهده دارد، عمل کند و ناچار است یکی را فدای دیگری کند. در این موارد که از آن به «تزاحم» تعبیر می شود، عقل حکم می کند که باید «مهم» را فدای «اهم» کرد؛ یعنی وظیفه ای را انجام داد که اهمیت بیشتری دارد و وظیفه دیگر را ترک نمود. تشخیص این امر در جایی که وظایف شخصی مطرح باشد، بر عهده خود شخص است، ولی اگر این وظایف مربوط به شئون مجموعه یا جامعه ای باشد، وظیفه این تمیز بر عهده رئیس آن مجموعه یا جامعه خواهد بود. از این رو در جامعه اسلامی، تشخیص تزاحم و تمیز اهم از مهم، بر عهده ولی

فقیه است که بر قله هرم مدیریتی جامعه قرار دارد.

در خانواده نیز این تشخیص بر عهده رئیس خانواده؛ یعنی مرد است. او باید تشخیص دهد آیا کار همسرش در بیرون خانه با وظایف خانوادگی و مصالح زندگی مشترک آن دو تزاخم دارد یا خیر و کدام یک اهمیت بیشتری دارد و اگر با اذن قبلی شوهر باشد چه حکمی دارد؟ پس او می‌تواند همسر خود را به دلیل تزاخم شغلش با وظایفی چون شوهرداری و تربیت فرزند، از اشتغال منع کند.

البته مسأله تزاخم در جایی مطرح می‌شود که دو طرف تزاخم، وظیفه باشد؛ یعنی مسأله تزاخم در صورتی با امر اشتغال ارتباط پیدا می‌کند که داشتن شغل، وظیفه زن باشد. اگر شغل، وظیفه نباشد و با وظایف خانوادگی زن تعارض پیدا کند، جایز نیست به آن شغل بپردازد، مگر اینکه وظیفه زن در خانواده مانند حق کامجویی در زمره حقوق شوهر باشد و او حق خود را اسقاط نماید. (شکوری، ۱۳۸۴)

۷. نتیجه

اسلام به کار زنان با شرایطی که برای آن مقرر شده، مخالف نیست، ولی در تعارض میان کار زنان و ارزش‌های مهم‌تر و بنیادی‌تر، دیدگاه اسلام درباره اشتغال زنان متفاوت است و به رسالت‌های همسری و مادری او و ارزش‌های بنیادین و اساسی صیانت و حمایت از زن در خانواده و اجتماع اهمیت می‌دهد. از این رو مهم‌ترین رسالت زنان متدین، پرورش و تربیت سالم فرزندان است که نقش آن در جامعه ظاهر می‌شود. اگر افراد جامعه‌ای در درون خانواده درست تربیت شوند، جامعه پیش‌رو، سعادت‌مند، خلاق و سالم خواهد بود و این رشد، فقط در دامن خانواده سالم اتفاق می‌افتد. زنان مسلمان، باید محیط خانه را حساس بدانند و با فضاسازی خانه با نام و یاد خداوند متعال و ائمه علیهم‌السلام آن را کارخانه آدم‌سازی و دانشگاه تربیت منتظران ظهور کنند. مادری که به دور از تشویش خاطر، هیجان عاطفی و آلودگی اخلاقی، به مسؤولیت‌های مادری و همسری خود بپردازد، به ویژه اگر ضرورتی برای اشتغال وی در بیرون از منزل نباشد، راهکارهایی برای برقراری و تعمیق ارتباط فرزندان با آموزه‌های ناب اسلامی و سخنان اهل بیت علیهم‌السلام فراهم می‌آورد تا رشد

دینی فرزندان، کامل و استعدادهای آنان شکوفا شود. بنابراین از نظر اسلام، حضور زن در خانه، اولویت مضاعف دارد، ولی اگر شغلی، مختص زنان و یا منحصر در زنان باشد، اشتغال زنان نه فقط مستحب، بلکه واجب است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. انصاری قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ هـ ق)، تفسیر قرطبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۰)، نهج الفصاحه، تهران: جاویدان.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۱۶ هـ ق)، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
۵. حکیم پور، محمد (۱۳۸۴)، حقوق زن در کاشاکش سنت و تجدّد، تهران: نغمه نو اندیش.
۶. خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۷. خمینی، روح الله (۱۳۸۱)، صحیفه نور، قم: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۸. خوبی، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، منهاج الصحیحین، قم: مدینه العلم.
۹. دانش، اسماعیل (۱۳۸۹)، آثار تربیتی و روانشناختی کار، فصلنامه علمی- پژوهشی بلاغ، ۳۳ (۱۳)، ۲۷-۴۲.
۱۰. دشتی، محمد (۱۳۷۲)، نهج الحیة، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۸)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. سعیدزاده، محمد (۱۳۷۴)، مشاغل زنان در عصر رسالت، نشریه پیام زن، ۳۸: ۷۶-۹۴.
۱۳. شکوری، ابوالفضل (۱۳۸۴)، زن و مسأله پوشش و نگاه، تهران: کتابخانه ملی.
۱۴. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۳۶۶)، عروة الوثقی، قم: میثم التمار.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۳۰ هـ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: موسوی همدانی، محمّد باقر، قم: انتشارات اسلامی.
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷)، الاملی، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۱۷. فضل الله، محمد حسین (۱۳۸۲)، اسلام، زن و جستاری تازه، مترجم: مرادی، مجید، قم: بوستان کتاب.
۱۸. فضل الله، محمد حسین (۱۳۸۲)، دنیای زن، تهران: دفتر نشر پژوهش و نشر سهروردی.
۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ هـ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۰. مدرسی، منصور (۱۳۸۵)، فرهنگ توصیفی واژگان برنامه ریزی و توسعه، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، مجموعه آثار، قم: صدرا.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران (۱۳۸۳)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامیة.
۲۳. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۶)، ضوابط شرعی اشتغال زنان، نشریه پیام حوزه، شماره ۱۴، مشاهده شده در پایگاه اطلاع رسانی حوزه.

